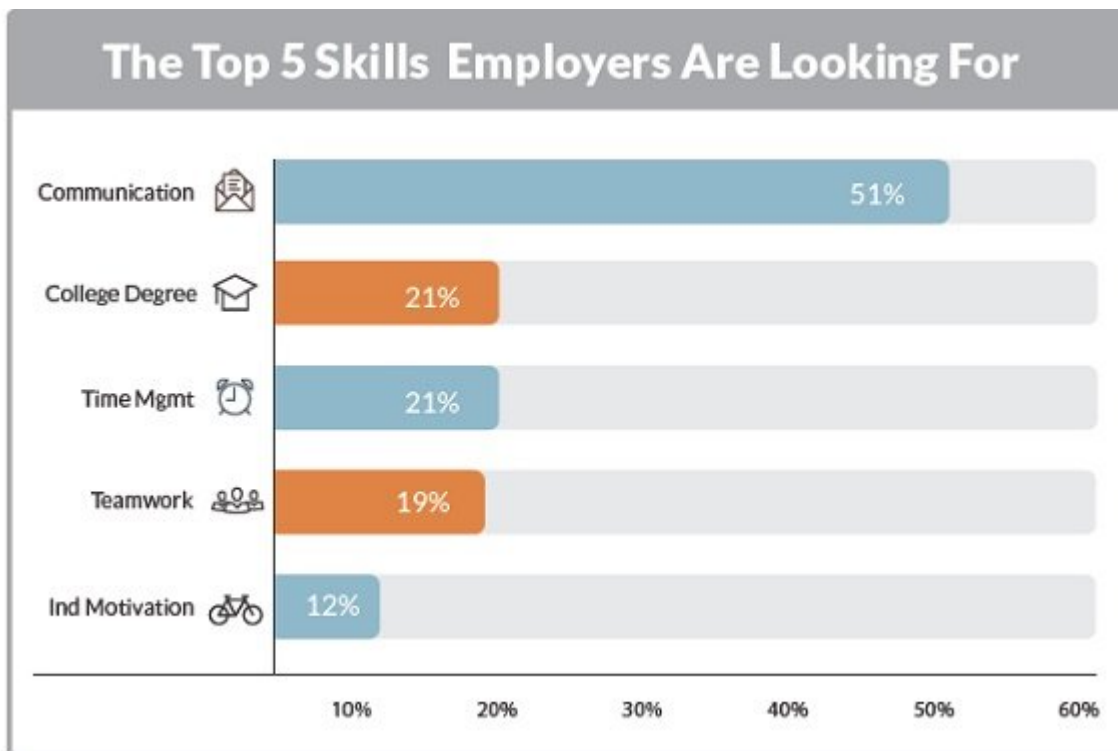




وقتی قرار است برای شرکت یا سازمانی مدیر انتخاب شود همه فکر می‌کنند آن فرد باید در کار خود متخصص و حرفه‌ای باشد. اما برای مدیر بودن به غیر از داشتن مهارت و تخصص و داشتن اشراف کامل به زمینه کاری آن شرکت مسائل دیگری نیز وجود دارد که باید حتما مدنظر قرار داد. داشتن ارتباطات قوی و روحیه کار تیمی از جمله این موارد است. حالا بهتر است نگاهی به ۱۰ مهارتی که مدیران نیاز دارند در محیط کار از خود نشان دهند بیانداریم.

## ۱۰ - مهارت در نوشتن



یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که یک فرد باید از آن برخوردار باشد، مهارت در نوشتن است. شاید فکر کنید فقط روزنامه‌نگاران و البته نویسندگان هستند که باید از چنین مهارتی برخوردار باشند. ولی این طرز فکر کاملا غلط است. جالب است بدانید طبق آماري که در آمریکا گرفته شده حدود 51 درصد مدیران در فرم‌های استخدامی خود به دنبال کسانی هستند که از مهارت نوشتاری خوبی برخوردار باشند. «مایک

بورزدین» مهندس سابق مایکروسافت و در حال حاضر مدیر ارشد مهندسی شرکت DocuSign به تمام برنامه‌نویسان توصیه می‌کند در کنار مهارت در برنامه‌نویسی حتما مهارت‌های نوشتاری خود را تقویت کنند چرا که در برقراری ارتباط بهتر با دیگران به فرد کمک می‌کند. برای این‌که در کار خود بالاتر از بقیه باشید یکی از موارد داشتن قدرت در نوشتن است که می‌تواند به شما کمک کند تا در بین بقیه همکاران از جایگاه بهتری برخوردار باشید. به این نکته هم توجه داشته باشید که این روزها شکل کار کردن در حال تغییر است و خیلی از کارها از راه دور و از خانه انجام می‌شود پس باید قادر باشید در محیط‌های مبتنی بر متن و ایمیل با ساده‌ترین و شیواترین شکل با رئیس خود؛ همکاران و مشتریان در ارتباط باشید.

## ۹ - مهارت در ارتباط کلامی



به همان اندازه‌ای که مهارت در نوشتن برای موفق بودن یک فرد در محیط کار نیاز است؛ مهارت کلامی نیز از اهمیت برخوردار است. همه شما در جلسات؛ همایش‌ها و یا سخنرانی‌هایی شرکت کرده‌اید که خسته‌کننده بوده‌اند. موضوع بحث تا حدی در جذب شنونده تأثیر دارد ولی چیزی که آن را جذاب‌تر می‌کند خلاصه‌گویی، شیوایی در کلام و پرداختن به موضوع اصلی و جلوگیری از زیاده‌گویی و صحبت در مورد مسائلی است که هیچ ربطی به موضوع برنامه ندارند. همیشه سعی کنید از ساده‌ترین روش‌ها برای تأثیر کلام خود در ذهن شنونده استفاده کنید؛ چه یک سخنرانی بزرگ باشد و چه صحبت معمولی برای چند نفر از کارمندان در محیط کار.

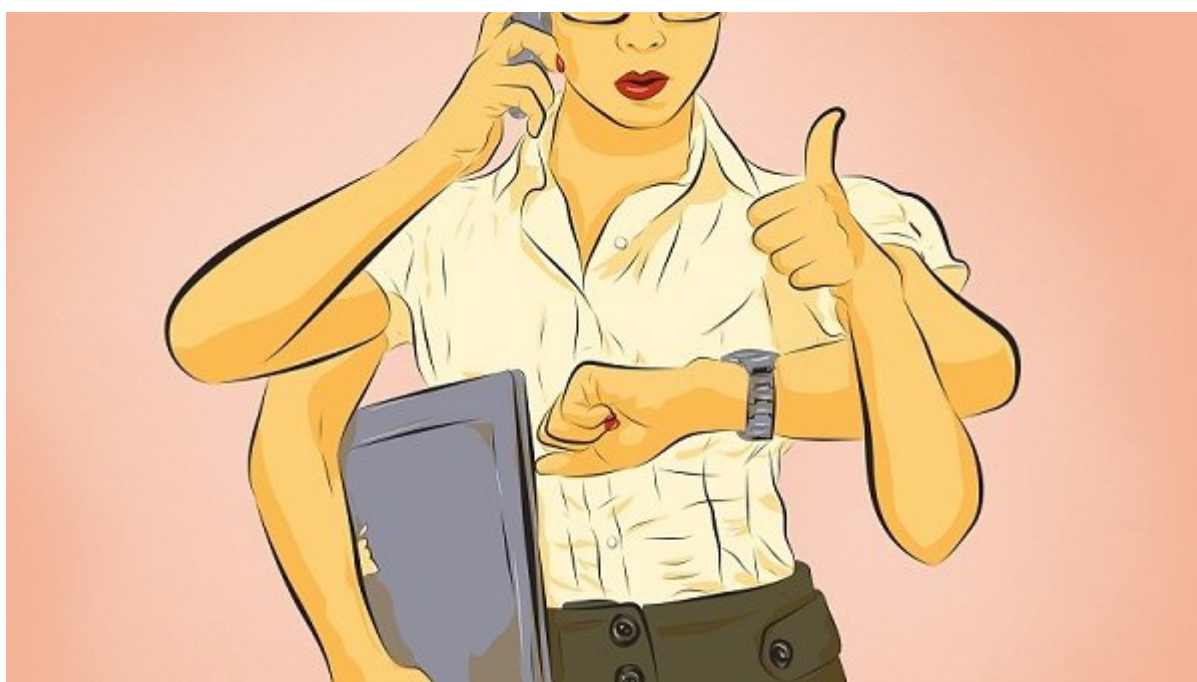
## ۸ - داشتن اعتماد به نفس



اعتماد به نفس از آن ویژگی‌هایی است که ممکن است در فرد وجود داشته باشد یا نداشته باشد. اما نکته مهم این است که با تمرین و ممارست می‌توان اعتماد به نفس را بدست آورد. بدون آن فرد نمی‌تواند در محیط کار و پیشبرد اهداف موفق عمل کند. در کنار آن فرد باید حس مقابله کردن و روبرو شدن با چالش‌ها را در خود تقویت کند زیرا اگر او از روبرو شدن با چالش و مشکل واگرمه داشته باشد دیر یا زود شکست می‌خورد. برای بهبود جنبه‌های مختلف زندگی به‌خصوص قدرت باروری و نوآوری فرد باید خود را بشناسد. این خودشناسی در مراحل مختلف زندگی و همچنین در محیط کار به آن شخص کمک می‌کند.

یکی از مشکلات رفتاری که افراد با آن دست به‌گرمیان هستند این است که باید بدانند بین اعتماد به نفس با تکبر و همچنین بین حس پافشاری و چالش‌طلبی با حالت تهاجمی تفاوت وجود دارد. هر فردی که می‌خواهد به این جایگاه برسد نیاز دارد تا اعتماد به نفس خود را بالا ببرد.

## ۷ - مدیریت زمان



هیچ چیزی با ارزش‌تر از زمان نیست؛ زمان مانند طلا است و بی‌شک مدیریت زمان یکی از چهار ستون اصلی رسیدن به موفقیت است. روش‌های بسیار زیادی برای مدیریت زمان وجود دارد. در این‌جا فقط به چند مورد اساسی که می‌تواند برای موفقیت در کار مفید باشد اشاره می‌شود:

چگونه می‌توان تخمین درستی از مدت زمانی که هر کار نیاز دارد به‌دست آورد.

در یک برنامه زمانی نامنظم چگونه می‌توان زمان را مدیریت کرد.

استفاده از راهنمایی‌های افرادی که مشاغل آزاد دارند در مدیریت زمان

از ساعت‌های خوب خود برای داشتن نتیجه بهتر استفاده کنید

ممکن است بدون آن‌که آگاه باشید سه اشتباه رایج در مدیریت زمان انجام دهید.

هرچقدر که فرد انرژی خود را به‌درستی مدیریت کند میزان بهره‌وری بالا می‌رود و این با مدیریت کارها و مدیریت زمان متفاوت است. نکته دیگری که می‌تواند باعث عدم موفقیت شود انجام چند کار به شکل هم‌زمان است. این مسئله جز این‌که بازده کاری را پایین بیاورد و زمان را هدر بدهد هیچ نتیجه دیگری نخواهد داشت.

## ۶ - مهارت در ایجاد شبکه کاری



یکی از مهارت‌هایی که کارمند باید به داشتن آن اهمیت بدهد، امکان برقراری شبکه کاری با دیگران است. فرض کنید فردی در یک کنفرانس یا جلسه شرکت می‌کند. بهترین نتیجه زمانی حاصل می‌شود که او قادر باشد با دیگران حاضر در آن مکان شبکه کاری ایجاد کند. این امر باعث پیدا کردن مشتریان جدید؛ پیدا کردن یک استعداد تازه و گسترش دایره حرفه‌ای است.

## ۵ - مهارت‌های اولیه در استفاده از فناوری





شاید فردی آن چنان از فناوری‌های نوین در زندگی روزمره خود استفاده نکند یا این‌که در محل کارش نیازی به استفاده از آن نباشد چون با نوع کاری که در آن‌جا انجام می‌شود سنخیت ندارد. ولی در دنیای امروز که دنیای فناوری است و فناوری در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها رخنه کرده شرایط ایجاد می‌کند تا هر فرد حداقل بصورت ابتدایی با فناوری‌های روزمره آشنایی داشته باشد و با آن‌ها کار کند. مثلاً زمانی لازم است با مدیر IT شرکت در مورد ایرادی که در سیستم خود مشاهده کرده صحبت کند یا بخواهد از ابزارهای ارتباطی شرکت برای ایجاد ارتباط با همکاران و مشتریان استفاده کند. شاید برای ما مسخره به نظر برسد که کسی نتواند با ایمیل کار کند ولی هستند کسانی که حتی با این مسئله کاملاً ابتدایی نامأنوس هستند. به گفته گوگل استفاده از ایمیل تبدیل به اولین عادت افراد فعال شده است. البته پرواضح است که هر چقدر فردی مهارت‌های فناوری بالاتری داشته باشد دایره کارهایی که می‌توند انجام دهد گسترده‌تر می‌شود. این روزها تمامی اصناف به دنبال راه‌اندازی وبسایت برای خود هستند یا آن‌هایی که وبسایت دارند به دنبال فردی می‌باشند که بتواند کارهای وبسایت را برای آن‌ها انجام دهد. پس اگر فردی کار با HTML و CSS را بلد باشد مطمئناً جایگاه مطلوب‌تری پیدا می‌کند.

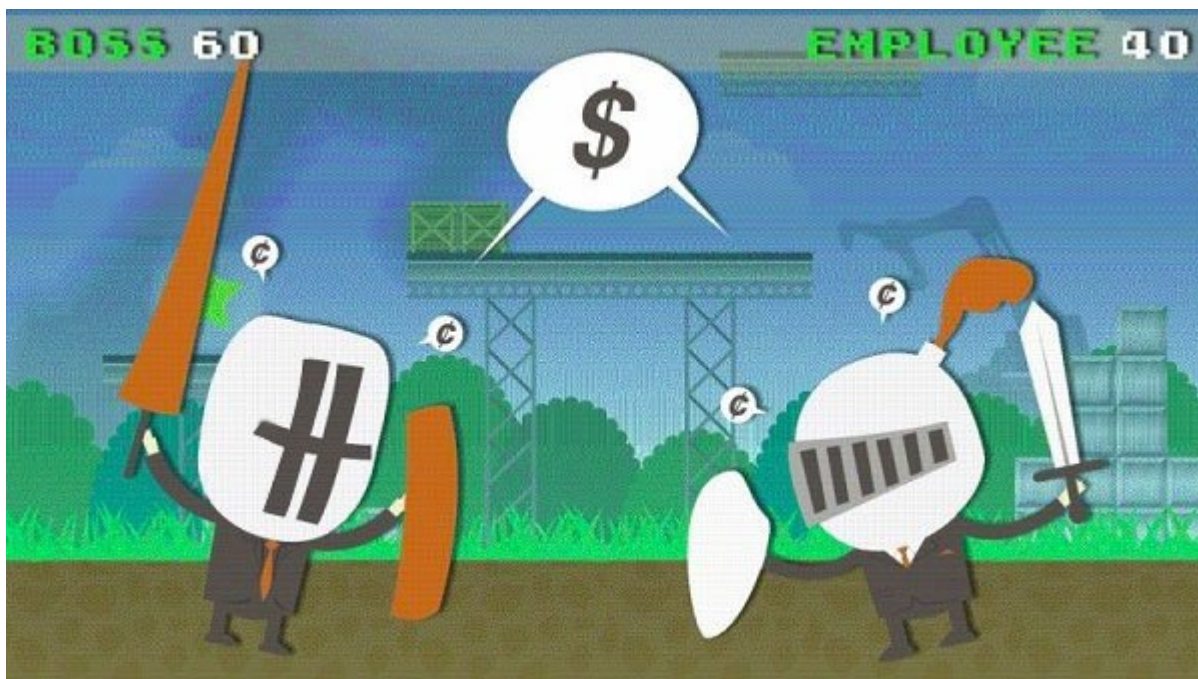
#### ۴ - قدرت تفکر در شرایط بحرانی و حل مشکل



تصمیم‌گیری درست در کار یکی از ویژگی‌هایی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. در این زمینه مهارت‌هایی هستند که باید برای فراگیری آن‌ها کوشا بود.

می‌توان گفت همیشه اینطور نیست که هر چه بیشتر کار کنید بیشتر نتیجه می‌گیرید. خیلی از اوقات روش فکر کردن به یک موضوع بسیار مهم‌تر از فقط دانستن آن است. ولی این‌ها مهارت‌های اکتسابی هستند و با تمرین می‌توان در آن‌ها به موفقیت دست پیدا کرد. باید ذهن خود را تقویت کنید تا در مواقع حساس و بحرانی تصمیم‌گیری کنید. همه شما شرلوک هولمز را می‌شناسید. مهم‌ترین ویژگی او نوع نگاه خاص و دقیق او به اطراف است. نگاهی تیزبینانه طوری که تمام جزئیات را در ذهن ثبت می‌کند. تلاش کنید تا این نوع نگاه به اطراف را در خود تقویت کنید. سعی کنید و با روش شش کلاه فکر کردن تصمیمات خود را بگیرید. شاید پیش خود فکر کنید این چه روشی است. فرض کنید می‌خواهید تصمیم‌گیری کنید. در ابتدا با استفاده از کلاه سفید رنگ تمام اطلاعات اطراف خود را مشاهده کنید؛ بعد کلاه قرمز را روی سرتان بگذارید و سعی کنید به مشکل نگاهی احساسی داشته باشید و پیش خود نوع عکس‌العمل مردم در قابل آن مشکل را تحلیل کنید. حالا نوبت به کلاه سیاه می‌رسد. کلاه سیاه کلاه بدبینی است؛ به تمام جنبه‌های منفی تصمیمی که گرفته‌اید فکر کنید و سعی کنید بفهمید چرا تصمیمی که گرفته‌اید نتیجه مطلوب را در بر نداشته‌اند. کلاه زرد کلاه خوش‌بینی است یعنی به جنبه‌های مثبت و دلایل موفقیت تصمیم فکر کنید و کلاه سبز هم کلاه فکرهای خلاقانه است. و سرانجام به کلاه آبی می‌رسیم. کلاهی که نشان‌دهنده شخص تصمیم‌گیرنده است؛ رهبر گروه و کسی که در زمان‌های حساس تصمیمات خطیر می‌گیرد. مطمئن باشید هرچه قدرت تصمیم‌گیری درست در لحظات حساس را تقویت کنید می‌توانید در محیط کار خود جایگاه بالاتری و ویژه‌ای را بدست آورید.

### ۳ - مهارت در مذاکره



شاید اولین چیزی که به ذهنمان می‌رسد قدرت داشتن در زمان صحبت برای افزایش حقوق است. شما هر چه بهتر صحبت کنید و رئیس خود را بیشتر قانع کنید مسلماً نتیجه بهتری می‌گیرید. ولی مهارت در مذاکره به این‌جا ختم نمی‌شود. در زمان مواجهه با کشمکش‌ها؛ یا دست‌یافتن به راه‌حل برد برد برای تیم داشتن این مهارت بسیار مهم است. همیشه به‌خاطر داشته باشید با نمایندگان فروش برای ارابه شیوه‌های نوین و اصلاح روند فروش بطور منظم صحبت کنید. با همکاران خود برای یافتن نقاط ایراد در کار و حتی جابجا کردن وظایف جلسه بگذارید و صحبت کنید. با رئیس خود صحبت کنید تا به شما اجازه دهد که پروژه‌های خاص را دنبال کنید یا این‌که به شما اجازه بدهد در صورت امکان از داخل خانه کار کنید. برای رسیدن به

این مهارت نکاتی چند نکته را باید یاد بگیرید که در مقالات بعدی در مورد آن توضیح خواهم داد.

## ۲ - مهم است که در یک تیم به خوبی جا بیافتید



زمانی که مدیران به فکر استخدام نیرو می‌افتند، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که لحاظ می‌کنند نحوه کار فرد در قالب یک تیم است. این که فرد مشکلی برای تیم ایجاد نکند و در قالب تیم در کنار سایر اعضای برای پیشبرد اهداف شرکت فعالیت کند از امتیاز بالایی برخوردار است. چه بسا هستند کسانی که از دانش بسیار بالایی برخوردار هستند ولی نمی‌توانند در قالب تیم فعالیت کنند زیرا درک متقابل از همکاران و اعضای تیم ندارند و حتی ممکن است باعث ضربه زدن به سیستم شوند. فرقی هم نمی‌کند که این جایگاه برای کارهای معمولی و رده پایین شرکت باشد یا مربوط به پست‌های حساس‌تر در رده‌های بالاتر شرکت. همان‌طور که در کار روی دیگر اعضای تیم حساب می‌کنید آن‌ها نیز روی شما حساب می‌کنند. مثال ملموس این نکته تیم فوتبال می‌باشد. شاید شما بهترین ستارگان دنیا را دور هم جمع کنید ولی وقتی بین آن‌ها حس همکاری متقابل وجود نداشته باشد و روحیه کار تیمی و حس «همه برای تیم» بین بازیکنان جا نیافتد، نمی‌توان انتظار داشت که آن تیم نتایج مطلوب بگیرد و حتی ممکن است تیم دچار پسرفت و سقوط شود. باید بتوانید با دیگران همکاری داشته باشید؛ اعتمادسازی کنید و به خوبی با انتقادات روبرو شوید.

## ۱ - داشتن هوش احساسی و بینش یکدلی





لايف هکر

تاریخ انتشار:  
15 آبان 1394